

توفان

الکترونیکی

شماره 9

اردیبهشت 1386

نشریه الکترونیکی حزب کار ایران

بیانیه حزب کار ایران (توفان) بمناسبت اول ماه مه

زنده باد اول ماه مه روز اتحاد و همبستگی کارگران سراسر جهان!



اول ماه مه، روز اتحاد و همبستگی پرولتاریای سراسر جهان در پیکار با بورژوازی است، در پیکار بخاطر رهائی ده ها و صد ها میلیون زحمتکش از گرسنگی و بینوائی و ستمدیدگی است. در این پیکار دو جهان متضاد دربرابر هم ایستاده است: جهان سرمایه و جهان کار. جهان استثمار و بردگی و جهان برادری و برابری. جهان جنگ و فاشیسم. جهان صلح و آزادی. ادامه در ص 4

یک پیروزی برای دانشجویان مبارز مازندران و سراسر ایران

تمامی دانشجویان زندانی آزاد شدند

ادامه در ص 3

خروج فوری و بی قید و شرط قوای اشغالگر از خاک عراق

تاکنون چهارده کشور نیروهای خود را از عراق خارج نمودند

گزارش کوتاهی از نشست دوازده جنبش مقاومت در ایتالیا ادامه در ص 5

بیانیه کانون صنفی معلمان ایران

اولتیماتوم معلمان به دولت

از مبارزات معلمان حمایت کنیم. معلمان روز یکشنبه نهم اردیبهشت از حضور در کلاس درس خود داری میکنند. پیکار متحد معلمان برای تحقق مطالبات دموکراتیک و انسانی ادامه دارد. ادامه در ص 2

ادامه بیانیه کانون معلمان...

۱- در اعتراض به برخوردهای غیر قانونی نهادهای امنیتی و انتظامی با فرهنگیان در مقابل مجلس و بازداشت معلمان تهران و کرمانشاه؛ در روزهای یکشنبه و دوشنبه ۲۶ و ۲۷ فروردین ۸۶، در اکثر مدارس کشور تحصن هایی در دفتر مدارس برگزار گردید و تومارهای اعتراض آمیزی که اهم خواسته های معلمان در آن درج شده بود خطاب به مسئولین آموزش و پرورش، مجلس و ریاست جمهوری صادر گردید .

۲- برابر بیانیه ی پایانی جلسه ی شورای هماهنگی کانون های صنفی فرهنگیان چون مسئولین امر هیچ گونه پاسخی به درخواست های صنفی و قانونی ما ندادند، در روز یکشنبه ۸۶/۹/۲، ضمن حضور در مدارس از حضور در کلاس های درس خودداری می نماییم؛ همچنین روز چهارشنبه ۸۶/۱۲/۲ در شهرستان ها در محل ادارات آموزش پرورش، و در مراکز استان ها در محل سازمان های آموزش و پرورش از ساعت ۹ تا ۱۲ اقدام به تجمع اعتراض آمیز خواهیم نمود.

۳- در صورت عدم تحقق خواسته های صنفی فرهنگیان دال بر رفع تبعیض در بین کارکنان دولت و عدم اجرای نظام هماهنگ حقوق کارکنان دولت به صورت کامل و جامع، در روز سه شنبه ۸۶/۲/۱۸ از ساعت ۱۳ تا ۱۷ ما معلمان سراسر کشور در مقابل مجلس شورای اسلامی اقدام به تجمع گسترده ی کشوری خواهیم نمود.

کانون صنفی معلمان ایران - کانون صنفی فرهنگیان خراسان - کانون صنفی معلمان ابر- کانون معلمان ارومیه- کانون فرهنگیان استان اصفهان- کانون صنفی معلمان ایلام - کانون صنفی معلمان اردبیل - اتحادیه ی صنفی فرهنگیان اهواز - کانون صنفی فرهنگیان آبادان - کانون مستقل فرهنگیان استان آذربایجان شرقی - کانون صنفی معلمان تبریز- کانون صنفی فرهنگیان خمینی شهر- کانون صنفی معلمان کرمانشاه - کانون صنفی معلمان گیلان (رشت) - کانون صنفی معلمان زنجان- کانون صنفی معلمان شهرری - کانون صنفی معلمان سبزوار- کانون صنفی معلمان شیراز - کانون صنفی فرهنگیان شهرضا - کانون صنفی معلمان استان چهارمحال و بختیاری- کانون صنفی فرهنگیان استان قزوین - کانون صنفی معلمان قم - کانون صنفی معلمان کرج - انجمن صنفی معلمان استان کردستان - کانون صنفی معلمان کرمانشاه- کانون صنفی معلمان مازندران - کانون صنفی معلمان همدان - کانون صنفی معلمان یزد

شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان سراسر کشور

ضرورت تداوم اعتصاب سراسری معلمان و پیوند با کارگران و سایر زحمتکشان

پیکار سراسری و متحد معلمان برای احقاق حقوق خود همچنان ادامه دارد و دولت احمدی نژاد نه تنها توجه ای به مطالبات سوزان و برحق معلمان ندارد بلکه پاسخ نان و عدالت را با چماق و ریا و تزویر میدهد. دولت مافیای حاکم با توسل به حربه های زنگ زده و متصل کردن معلمان شریف ایران به نیروی خارجی چهره کثیف و ضد بشری خود را بنمایش میگذارد. الهام نماینده دولت در سخنرانی روز سه شنبه خود در دانشگاه علم و صنعت در پاسخ به خواسته های معلمان و زنان چنین اظهار داشت:

"اینها مطالبات کارگران، معلمان و زنان نیست و تنها مطالبه ی گروه خاصی که دارای اهداف سیاسی و متصل به خارجند و توجهی به منافع ملی نداشته و به آن چشم طمع دارند، است...در مورد بخش معلمان، دولت توجه خاصی به این صنف دارد و بر این باورم که بحث معلمان، بحث مادی نیست و آن را انحرافی می دانم که عده ای معلمان را در بحث نیاز معیشتی تنزل می دهند و معلمان را در این سطح نشان می دهند؛ چراکه نگاه معلم، نگاه انسان ساز متعالی و در صف انبیاست"

الهام چه بیشرمانه مبارزات معلمان را به خارج وصل میکند تا سرکوب وحشیانه این آینده سازان مملکت را توجیه نماید. وی که نماینده مافیای در قدرت است نمی خواهد درد معلمان را بفهمد و هرگز نیز نخواهد فهمید که نیاز مادی معلمان ریشه در فساد و نابسامانیهای حاصل از دولت حامی سرمایه دار و مناسبات غیر عادلانه طبقاتی دارد و تنها مغز معیوب است که می تواند مطالبات معلمان را امری انحرافی و به بیرون وصل کند. معلمان ایران مدتهاست تصمیم خود را گرفته اند عزم جزم کرده مصممانه و متحد و یکپارچه با توسل به اعتصاب عمومی و کشاندن این مبارزات به بیرون از دایره صنف خویش رژیم جمهوری اسلامی را به چالش طلبیدند. معلمان در بیانیه اخیر خود چه زیبا بیان داشتند " من اگر برخیزم، تو اگر برخیزی، همه برمیخیزند ... ! من اگر بنشینم، تو اگر بنشینی، ... چه کسی برخیزد من اگر برخیزم، تو اگر برخیزی، همه برمیخیزند ... و ندایی که به من می گوید: گرچه شب تاریک است دل قوی دار سخنزدیک است." ... ادامه در ص 3

ادامه معلمان...

بیانیه کانون صنفی معلمان برای ادامه راه به دولت اولتیماتوم داد که در صورت عدم تحقق خواسته های خود به اعتصاب عمومی مبادرت خواهند ورزید و قاطعانه در مقابل ظلم و بیدادگری خواهند ایستاد...

معلمان با مبارزات پیگیر خود نشان داده اند که حق گرفتاری است و باید قاطع و مصمم در مقابل رژیم جبار حاکم ایستاد و از قربانی دادن نهراسید. گرچه شب تاریک است دل قوی دار سحرزدیک است. این مبارزات در صورت پیوند با کارگران و سایر زحمتکشان بثمر خواهد نشست و سرانجام رژیم را مجبور به عقب نشینی خواهد نمود. رژیم در مقابل رشد و گسترش جنبش سراسری و دموکراتیک خود را ضعیف و در محاصره مردم می بیند. باید به این مبارزات ادامه داد و بر ضرورت پیوند مبارزات معلمان با کارگران، زنان و دانشجویان تاکید ورزید و با تمام قوا از پیکار عادلانه معلمان دفاع نمود. حزب ما از خواسته های برحق معلمان دفاع میکند و از هیچ کوششی در یاری رساندن به این اعتراضات دریغ نخواهد ورزید.

پیروز باد پیکار متحد معلمان، کارگران، دانشجویان و زنان علیه جمهوری اسلامی

یک پیروزی برای دانشجویان مبارز مازندران و سراسر ایران



سرانجام در اثر پیکار قاطع، متحد و مصمم دانشجویان دانشگاههای بابل و بابلسر همه دانشجویان زندانی آزاد شدند. حزب ما این موفقیت را به دانشجویان مبارز و انقلابی که پیگیرانه برای رفقای همزم خود مایه گذاشتند و زندان و شکنجه را به سخره گرفتند تبریک می گوید و آن را گامی به پیش در جهت رادیکالتر شدن جنبش دانشجویی ارزیابی میکند. این پیروزی نشان داد که اگر دانشجویان متحد و یکپارچه بپاخیزند و در پیوند با سایر دانشجویان و افشار اجتماعی قرار گیرند می توانند به پیروزی و پیروزیهای بزرگتری نیز دست یابند. رمز موفقیت دانشجویان در اتحای یکپارچگی آنهاست. حزب ما به دانشجویان درود میفرستد و بر تداوم مبارزه علیه رژیم جمهوری اسلامی و پیوند این مبارزه با زحمتکشان بویژه طبقه کارگر پای میفشارد. علاوه بر پیکار علیه جمهوری اسلامی، افشای جریانات انحرافی که در لباس دوستان مردم ظاهر شده اند و موضع گیری روشن و شفاف در مقابل تحریم اقتصاد دی و تهدیدات امپریالیستی علیه مردم ایران از جمله وظایف مهم دانشجویان انقلابی است. در شرایطی که امپریالیست آمریکا بر طبل جنگ میکوبد و رژیم نیز از این عریده کشیهای جرج بوش سود می جوید تنها با شعارهای مشخص و روشن **نه به تحریم اقتصادی و نه به تجاوز نظامی امپریالیسم به ایران** می توان هرگونه بهانه تبلیغاتی رژیم علیه دانشجویان مبارز را خنثی کرد و از سویی نیروهای هوادار آمریکا و اسرائیل را به انزوا کشاند. مبارزه علیه جمهوری اسلامی شرط لازم و ضروری است اما کافی نیست. این مبارزه باید در پیوند با مبارزه علیه امپریالیسم و تهدیدات نظامی قرار گیرد و تنها در این بستر است که دانشجویان می توانند با صفی مستقل، دموکراتیک و ضد امپریالیستی به نقش تاریخی خود جامه عمل پوشند.

اتحاد، مبارزه، پیروزی

زنده باد پیوند دانشجویان با کارگران، معلمان، زنان و همه زحمتکشان جامعه

ادامه بیانیه اول ماه مه ...

جشن اول ماه مه در زمانی برگزار میشود که رژیم سرمایه داری و ضد کارگری جمهوری اسلامی همچنان به حقوق کارگران و عموم زحمتکشان تعرض میکند و در مقابل جنبش توده ای و دموکراتیک مردم ایران خود را ضعیف می بیند. طبقه کارگر از کلیه حقوق اجتماعی خویش محروم است، قانون کار، بیمه اجتماعی، حق تجمع در اتحادیه های کارگری فقط کلماتی بر روی کاغذ است. طبقه کارگر ایران که نعم مادی زائیده رنج و زحمت او است خود در بینوائی و گرسنگی زندگی میگذراند وزیر خط فقر ادامه حیات میدهد. جمهوری اسلامی با الهام از سیاستهای صندوق بین المللی پول و بانک جهانی کوشیده و میکوشد برای غارتگران داخلی و بین المللی امنیت و برای کارگران و عموم مردم زحمتکش ایران ناامنی و فقر و فلاکت تولید کند. "عطوفت اسلامی" تنها شامل حال ملوانان متجاوز و مزدور انگلیسی است و نه کارگر شریف ایرانی.

دستگیریهای خودسرانه و سرکوب کارگران به شدت ادامه دارد و علیرغم این اما کارگران ایران هرگز از پای ننشسته اند و مبارزه علیه خصوصی سازی، اخراج دسته جمعی و برای دریافت حقوق معوقه و اضافه دستمزد و برای تشکیل سندیکای مستقل دامنه وسیعتری یافته است. اعتصاب سراسری و اعتراضات درخشان معلمان، گسترش اعتراضات دانشجویی در دانشگاههای ایران و اخیرا در شهرهای بابل و بابلسر.. پیکار زنان مبارز ایران علیه حاکمیت زن ستیز و ضد کارگری... همه نشان از این است که جمهوری اسلامی از اتحاد و پیوند جنبش کارگران با سایر اقشار و گروههای اجتماعی و عمومی شدن این اعتراضات میترسد و دستگیریهای اخیر تعدادی از کارگران از جمله محمود صالحی از فعالین کارگری در کردستان، بازداشت شماری از معلمان در تهران و سایر شهرها و همینطور بازداشت تعدادی از دانشجویان و زنان بیانگر ضعف و استیصال سردمداران ارتجاعی حاکم است. رژیم با این شگردهای شبه فاشیستی و سرکوبگرانه ابلهانه میکوشد از هم اکنون کنترل مراسم اول ماه مه را در دست گیرد. لیکن همانطور که در سال گذشته شاهد بودیم کارگران و سایر زحمتکشان علیرغم تهدیدات مزدوران رژیم، اول ماه مه را جشن گرفتند و آن را به پرچمی علیه استبداد حاکم و سرمایه داری تبدیل نمودند. امسال نیز چنین خواهد شد.

اکنون در شرایطی به استقبال اول ماه مه میرویم که امپریالیسم آمریکا با گسیل ناوگانهای خود در خلیج فارس بر طبل جنگ می کوبد و به بهانه های مختلف از جمله خطر امنی شدن ایران و با ارجاع پرونده هسته ای ایران به شورای امنیت سازمان ملل و تحریمهای اقتصادی، نیت پلید خود را از تجاوز نظامی به ایران پنهان نکرده و لجام گسیخته در جهت تحقق دکترین "خاورمیانه بزرگ" و در رقابت با سایر قدرتهای امپریالیستی اوضاع ناامن و خطرناکی را در منطقه ایجاد کرده است.

آنچه طبقه کارگر ایران باید در اول ماه مه بر گزار کند مربوط است به پیکار متحد در زیر مطالبات و شعارهای زیر:

- آزادی فوری و بی قید شرط همه کارگران از جمله محمود صالحی
 - آزادی فوری و بی قید و شرط تمامی معلمان که در اعتراضات اخیر بازداشت شده اند.
 - آزادی فوری و بی قید و شرط فعالان زن، زنانی که بخاطر مبارزه علیه تبعیضات جنسی و قوانین ضد انسانی در زندان بسر میبرند
 - آزادی فوری و بی قید و شرط کلیه دانشجویان و همه کسانی که بخاطر اعتراضات علیه سرکوب و بیدادگریهای رژیم در زندان بسر میبرند.
 - بازگشت کارگران اخراجی بر سر کار خود، مبارزه علیه سیاست اخراج سازی کارگران، مبارزه علیه خصوصی سازی صنایع و واحد های تولیدی بویژه صنایع نفت، مبارزه برای دریافت حقوق معوقه، مبارزه برای اضافه دستمزد به نسبت سطح رشد تورم و افزایش هزینه زندگی، مبارزه برای تضمین امنیت شغلی که عامل تضمین این امنیت وحدت و تشکیلات خود کارگران است، مبارزه برای حق دادن آزادانه تشکلهای مستقل کارگری، مستقل از تشکلهای دولتی
 - دفاع از مطالبات روشن و برحق معلمان
 - خروج تمامی نیروهای امنیتی و اطلاعاتی از دانشگاههای سراسر کشور
 - افشای کار بدستان رژیم در زیر شعار سرکوب کارگران، معلمان، دانشجویان و زنان و همه آحاد مردم ایران خواست امپریالیسم است، مبارزه در زیر شعار خواست فوری و بی قید و شرط خروج اشغالگران امپریالیست از خاک عراق و افغانستان و محکوم کردن رژیمهای دست نشانده و استعماری و مبارزه در زیر شعار اتحاد و همبستگی کارگران و خلقهای سراسر جهان علیه تجاوزات امپریالیستی و تهدیدات نظامی ملل.
 - محکوم کردن تحریمهای اقتصادی علیه ایران و مخالفت روشن علیه هر نوع دخالت سیاسی، نظامی در امور داخلی ایران و برجسته کردن شعار دست امپریالیستها از ایران و منطقه کوتاه باد. نه به تحریم اقتصادی و نه به تجاوز نظامی به ایران
- روشن است تنها با طرح مطالبات و شعارهای فوق است که می توان هم رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی را به چالش طلبید و هم اپوزیسیون ارتجاعی و وابسته به امپریالیست آمریکا و صهیونیست اسرائیل را که مشوق تجاوز نظامی به ایرانند خلع سلاح نمود.
- حزب کار ایران (توفان) به کارگران قهرمان ایران و جهان اول ماه مه، روز جهانی کارگر را شاد باش میگوید و ایقان دارد که پیروزی اردوی کار بر سرمایه تنها از طریق وحدت و تشکیلات ورهبری حزب سیاسی و تنها از طریق انقلاب سوسیالیستی و راهی که لنینسیم نشان میدهد و پیکار جسورانه و شفاف علیه انحرافات آنارکوسندیکالیستی، اکونومیستی، ترنسکیستی و کائوتسکیستی و... میسر خواهد گشت. جز این راهی نیست.

درود به طبقه کارگر قهرمان ایران!

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی!

زنده باد انترناسیونالیسم پرولتری!

زنده باد سوسیالیسم این پرچم نجات بشریت!

حزب کار ایران (توفان)

ادامه خروج بی قید و شرط از عراق...

خروج فوری و بی قید و شرط قوای اشغالگر از عراق خواست تمامی نیروهای مترقی و انقلابی جهان است

هیچ کس نمی تواند مدعی ترقی و انقلاب، ضد ستم و ضد استعمار باشد اما از خواست فوری و خروج بی قید و شرط نیروهای امپریالیستی در عراق و یا در افغانستان حمایت نکند. تنها کسانی که ریگی در کفش دارند و یا منافع خود را در اتحاد با امپریالیسم جستجو میکنند می توانند با انواع تئوری تراشیها و سفسطه گریهای بی معنی موافق ادامه حضور ارتش اشغالگر در عراق باشند. اینان که تا مغز سر به امپریالیسم وابسته اند با اشاره به قدرت گیری "اسلام سیاسی و تروریستهای بنیادگرا" به پابوسی بوش افتاده اند و از او بعنوان کارگردان دموکراسی خواهی "خاورمیانه بزرگ" می طلبند تا در عراق بماند و از آنها در مقابل "دشمنان آزادی و تمدن" دفاع نماید. به دارودسته جلال طالبانی و بارزانی و دولت دست نشانده بغداد نگاه کنید که از هم اکنون به عزا نشسته اند که فردای خروج قوای آمریکا و متحدانش از عراق چه خاکی بر سرشان بریزند و چگونه باید ادامه حیات دهند. این خود فروختگان چون ریشه در جامعه ندارند و متکی به نیروی استعماری هستند با خروج ارتش آمریکا با یک ضربه و از گون خواهند شد و از همین روی مخالف شدید خواست خروج قوای استعماری از عراق هستند و جز این نمی تواند باشد. از دولت دست نشانده بغداد که بگذریم وضعیت نیروهایی که خود را "کمونیست" (حزب کمونیست عراق حزب برادر توده ایران) و یا "کمونیست کارگری" (حزب پیروان منصور حکمت در عراق) می پندارند بسیار مضحک است. اینان نیز نگرانند که فردای خروج ارتش آمریکا و سقوط دولت دست نشانده بغداد مردم به سرشان چه خواهند آورد و سرنوشتشان چه خواهد بود. این جریانات باصطلاح چپ که به شعار خروج بی قید و شرط قوای استعماری در عراق روی خوش نشان نمی دهند و امپریالیسم را به "اسلام سیاسی" ترجیح میدهند و ماهیت ارتجاعی امپریالیسم را کتمان میکنند به واقع احزاب رویزونیستی کائوتسکیستی و همدست امپریالیستند و نقشی خرابکارانه در جنبش آزادیبخش عراق بازی کرده و میکنند. توگویی اشغال عراق برای رهایی مردم از قید زندان و شکنجه و استقرار تمدن و آزادی بوده است و نه برای کنترل نفت و حفظ برتری دلار بر یورو که به قیمت ویرانی زیرساخت عراق و به قتل رساندن بیش از ششصد صد هزار تن انجامیده است. این لیبرال چپ های خود فروخته در کنار ارتش آمریکا و سازمان جاسوسی اسرائیل در قالب مبارزه علیه "اسلام سیاسی" به انجام وظیفه مشغول اند و از زمزمه خروج ارتش آمریکا و سقوط دولت دست نشانده بغداد به وحشت افتاده اند. وضعیت مجاهدین در عراق بهتر از این احزاب نیست. این سازمان برای بقای فیزیکی اش تن به هر همکاری با امپریالیست آمریکا میدهد و راهی را پیشه کار خود کرده که امثال احمد چلبی ها در اشغال عراق کرده اند. خروج آمریکا از عراق موجودیت مجاهدین را درهم خواهد ریخت و از این رو سیاستهای این سازمان بر تداوم اشغال عراق و بمباران نیرو گاههای هسته ای ایران و محاصره اقتصادی مردم ایران توسط امپریالیست آمریکا بازتاب می یابد. پخش شیرینی و به سماع نشستن در رابطه با تصویب قطعنامه های شورای امنیت سازمان ملل ماهیت ارتجاعی و کثیف این جریان را بنمایش میگذارد.

اشغال عراق و افغانستان توسط امپریالیسم آمریکا و متحدین اش ماهیت بسیاری از نیروهای سیاسی را روشن نمود و پرده از شعارهای انسان دوستانه و دروغین شان دریده است. سازمانها و احزاب نانسینوال شونیست کرد و آذری و عرب ایران نیز ماهیت شان روشن تر گردید و اکنون در رکاب امپریالیست آمریکا برای تحقق حقوق "ملی شان" انجام وظیفه میکنند. اکنون خواست خروج بی قید و شرط نیروهای امپریالیستی و در راس آن آمریکا در عراق و افغانستان به خواست عمومی مردم سراسر جهان تبدیل شده است و جریانات هوادار امپریالیستی هر روز بیشتر در انزوا قرار می گیرند. نیروهای انقلابی و مترقی ایرانی موظف اند بی تزلزل از پیکار مبارزین عراقی و جنبش حق طلبانه مردم عراق پشتیبانی کنند زیرا شکست امپریالیست آمریکا در عراق یک پیروزی بزرگ برای همه آزادیخواهان و الهام بخش جنبش ضد امپریالیستی در منطقه و سراسر جهان خواهد بود. مردم عراق قیم نمی خواهند، استعمار و ارتش اشغالگر نمی خواهند، زندان ابو غریب و شکنجه نمی خواهند... باید سرنوشت خویش را خود تعیین کنند. سازمانها و نیروهای مردمی ایران نیز باید از فاجعه اشغال عراق بیاموزند، با اتکا به نیروی خویش و تفکیک ناپذیر بودن مبارزه ضد رژیم و ضد امپریالیستی برای آزادی و دموکراسی ایران برزند و از خواست فوری و بی قید و شرط خروج تمامی نیروهای اشغالگر و در راس آن امپریالیست آمریکادر عراق حمایت کنند. مردم عراق دیر یا زود نیروهای اشغالگر را از کشورشان بیرون خواهند ریخت و در این راه از همه نیروهای انقلابی و مترقی جهان، از همه نویسندگان و هنرمندان مستقل و مردمی و آزاد اندیش همبستگی و حمایت سیاسی می طلبند.

تاکنون چهارده کشور خاک عراق را ترک کرده اند

در اثر پیکار قهرمانانه جنبش مقاومت چهارده کشور تاکنون مجبور به ترک عراق شده اند. انگلیس به کاهش نیروی خود در عراق مشغول است و زمزمه خروج از عراق را طرح کرده است. افکار عمومی بشدت بر دولت بلر فشار آورده است تا سربازان انگلیسی را از باتلاق عراق بیرون کشد. دانمارک قوای خود را از عراق بیرون میکشد و رومانی و لهستان و کره جنوبی نیز سخن از خارج شدن از عراق می رانند. آمریکا کاملاً منزوی شده و علل این انزوا و شکست را به گردن "رژیم جمهوری اسلامی و القاعده و دشمنان تمدن و آزادی" می اندازد. امپریالیست آمریکا همانطور که در ویتنام شکست خورد در عراق نیز به سرنوشتی غم انگیزتر از آن دچار خواهد شد. آمریکا می پندارد با ارسال 21500 سرباز مزدور و تقویت قوای اشغالی می تواند خود را از باتلاق عراق نجات دهد. شکست آمریکا محتوم است و مبارزه مردم عراق تا بیرون ریختن آخرین سرباز قوای اشغالگر ادامه خواهد یافت.

کشورهایی که عراق را ترک کرده اند بدین قرار است:

جمهوری دومینک، فیلیپین، هندوراس، ایتالیا، ژاپن، نیکاراگونه، نروژ، نیوزلند، پرتغال، اسلواکی، اسپانیا،

تایلند، اوکراین، مجارستان. ادامه در ص 6

ادامه عراق...

هم اکنون بیست و چهار کشور در اشغال عراق فعالند. آمریکا 132000 نیرو در عراق دارد و مجموعه نیروهای 23 کشور دیگر بدین قرار است:

آلبانی 120 سرباز، ارمنستان 46 سرباز (قرار است اواخر 2007 و یا اوایل 2008 عراق را ترک کند)، استرالیا 550 نفر، آذربایجان 150 نفر، بوسنی 36 نفر، بلغارستان 155 نفر، دانمارک 460 نفر (در اوت امسال از عراق خارج میشود)، السالوادور 380 نفر، استلند 35 نفر، گرجستان 900 نفر، قزاقستان 27 نفر، لتلند 125 نفر، لیتوانی 60 نفر (در حال بررسی خروج قوای خود از عراق است)، مقدونیه 40 نفر، مولداوی 11 نفر (قرار است بزودی خاک عراق را ترک کند)، مغولستان 160 نفر، هلند 15 نفر، لهستان 900 نفر (اواخر 2007 یا اوایل 2008 عراق را ترک میکند)، رومانی (در حال بررسی خروج قوا از عراق است)، اسلوانی 4 نفر، انگلیس 7100 نفر (قرار است تعداد سربازان را به 4000 نفر تقلیل دهد)، کره جنوبی 2300 نفر (قرار است 1100 نفر از 2300 نفر عراق را ترک کنند. پارلمان کره خواهان ترک کامل سربازان کره ای از عراق است)، چک 99 نفر.

بسیاری از کشورهای فوق تعداد سربازان خود در عراق را کاهش دادند. لهستان قبلاً 2500 سرباز در عراق داشت، در صورتی که امروز 900 نفر در عراق دارد، همینطور بلغارستان و هلند. بلغارستان 500 نفر و هلند 1100 نفر سرباز در عراق داشتند که اکنون به 155 و 15 تقلیل یافته است. این گزارش برگرفته از روزنامه معتبر گاردین بریتانیا است.

گزارش کوتاهی از کنفرانس جنبش مقاومت در ایتالیا

در 24 و 25 ماه مارس امسال در شهر چیانسیانو ایتالیا کنفرانسی تحت عنوان "با جنبش مقاومت برای یک صلح عادلانه در خاورمیانه" برگزار گردید. هدف از این نشست که بیش از 300 تن در آن شرکت داشتند این بود که نمایندگان جنبش مقاومت برای حصار اروپایی سخنرانی کنند و اطلاعات در اختیار آنها قرار دهند تا از این طریق بر تقویت وحدت نیروها علیه امپریالیسم آمریکا بیافزایند. در این کنفرانس علاوه بر نمایندگان عراق، لبنان و فلسطین، هئیت هایی نیز از افغانستان، اردن و سودان... و شرکت داشتند و در مورد اوضاع کشور خود و خاورمیانه به سخنرانی پرداختند. در این نشست نمایندگانی از احزاب مارکسیست لنینیست و چپ اروپا نیز حضور داشتند... مشابه همین کنفرانس قرار بود در پائیز 2005 میلادی در ایتالیا تشکیل گردد که با توجه به خرابکاری دولت برلین و دخالت امپریالیسم آمریکا انجام نپذیرفت. لیکن این بار به کوری چشم آمریکا و دشمنان جنبش مقاومت عراق و منطقه کنفرانس با موفقیت برگزار گردید.

یکی از سخنرانان عبدل - جبار کوباتیسی چهره سرشناس و شناخته شده جنبش مقاومت عراق و دبیر کل "ائتلاف میهن پرستان عراق" و سخنگوی سیاسی جبهه ملی اسلامی میهن پرستان عراق بود. عبدل جبار در 2004 میلادی کشور فرانسه را (پناهنده در این کشور بود) ترک کرد تا در عراق شاخه سیاسی جنبش مقاومت را پایه ریزی کند. در سپتامبر همان سال توسط قوای آمریکا دستگیر شد و تحت شکنجه قرار گرفت. لیکن بخاطر چهره بین المللی و شناخته شده خود در دسامبر 2005 آزاد و راهی فرانسه گردید.

عبدل جبار سخنان خود را در مورد اوضاع عراق چنین آغاز کرد:

"ننومحافظه کاران و اشنگتن می خواستند با کنترل عراق، کنترل تمام خاورمیانه و جهان را بکف گیرند. آنها می پنداشتند که سال دوهزار بنام قرن آمریکا رقم خواهد خورد. لیکن این پروژه که قرار بود تحت نام "خاورمیانه جدید" پیاده گردد به لطف جنبش مقاومت عراق ناکام ماند. جنبش مقاومت در مقابل قوی ترین قدرت نظامی جهان قهرمانانه ایستاد و هر روز نیرومندتر از پیش به حیات خود ادامه داد. اینها همه در حالی است که جنبش مقاومت از بیرون حمایت نمی شود. یکی از دلایل این موفقیت این است که در راس این جنبش عراقیهای تحصیل کرده، افسران سابق ارتش و دانشمندان عراق قرار دارند. یک نکته مهم دیگر اینکه مقاومت مسلحانه در روستاها و شهرها صرف نظر از زمینه های مذهبی و سیاسی، علیه قوای اشغالگر چون تنی واحد عمل میکنند."

عبدل جبار در مورد ضرورت حمایت سیاسی معنوی از جنبش مقاومت چنین بیان داشت:

"مقاومت عراق احتیاجی به اسلحه، پول و نیروی انسانی ندارد، بیشتر به حمایت سیاسی معنوی نیازمند است. اهمیت این کنفرانس این است که بتواند این محاصره را در هم شکند. این منطقی است، آنها که طرح اشغال عراق را ریختند، همچنین تلاش نمایند تا با سانسور مانع حرف زدن ما گردند. مهم ترین جنبش مقاومت علیه امپریالیسم در عراق جریان دارد. از این رو پیروزی بر آمریکا تأثیرات شگرفی بر جهان و خارج از مرز عراق خواهد گذاشت. از سویی باید بر اهمیت نبرد مردم لبنان، فلسطین و آمریکای لاتین و... علیه امپریالیسم توجه داشت." ادامه در ص 7

ادامه کنفرانس...

وی در مورد نقش جمهوری اسلامی در عراق چنین توضیح داد:

" ایران همراه با آمریکا و اسرائیل در پی ایجاد یک عراق ضعیف در عرصه نظامی و اقتصادی است. نیروهای امنیتی و نظامی رژیم ایران علیه جنبش مقاومت عراق می‌رزمند. آمریکا و نیروهای ائتلاف، عمده‌ترین دشمنان مردم عراقند. لیکن این بدین معنا نیست که ما در مقابل ایران از خود دفاع نمی‌کنیم. اگر ایران خاک عراق را ترک کند و علیه آمریکا موضع بگیرد، ما نیز می‌توانیم بعنوان یک نیروی متحد علیه اشغالگران یعنی آمریکا بجنگیم."

یکی دیگر از سخنرانان کنفرانس، رهبر اتحادیه خبرنگاران عراق، نوری ن- عبد بود که در مورد غارت منابع ملی عراق توسط استعمارگران سخن راند. وی در این رابطه چنین بیان داشت:

" نفت عراق امروز توسط نیروهای استعماری غارت میشود. 85 درصد درآمد نفت عراق مستقیماً به جیب شرکت‌های خارجی ریخته میشود. آن بخش ناچیزی که به مردم عراق میرسد کفاف حتا وارد کردن غذا از خارج را نمی‌کند. جامع عراق بعد از سال 2003 شدیداً سقوط کرد و دزدان بین المللی ثروت جامعه را به یغما می‌برند. بانک‌ها غارت شدند. حساب بانکی عراق در سازمان ملل " پروژه نفت برای غذا" غارت شد. صنایع و تولیدات کشاورزی فروپاشیدند و کشور تماماً به واردات وابسته شد و بیکاری گسترده حاصل این سیاست خانمان برانداز است"

نوری عبد در مورد سیاست استعماری نفت عراق، خدمات و همینطور وضعیت روشنفکران و زنان چنین اظهار داشت:

" خطرناکترین تصمیم در مورد خصوصی سازی بخش خدمات است. ملی کردن نفت در سال 1972 میلادی یک رخ داد مهم تاریخی در عراق بود. امروز هیچ کنترلی بر نفت عراق نیست و نفت کشور به غارت می‌رود. در خلال اشغال کشور، سیستم آموزش عراق کاملاً از هم پاشید و بسیاری از روشنفکران یا از بین رفتند و یا مجبور به ترک عراق شدند. 15000 معلم، پزشک، خبرنگار و غیره تا کنون جان باختند. امروز فقط تعداد کوچکی از پرفسورهای عراق در کشور باقی مانده اند. محتوای آموزش عراق تغییر کرده است. هویت ملی از کتابها حذف گردیده است. در کتابهای جدید درسی، سیاست نفاق و تقسیمات مذهبی گنجانده شده است تا اتحاد مردم را بپاشانند.

زنان عراق که در گذشته نقش و جایگاه منحصر بفردی در کشور داشتند بعد از اشغال کشور بشدت آسیب دیدند. زنان جرئت خروج از خانه را ندارند. از این رو جرج بوش عمده ترین دشمن زنان عراق است."

نوری در مورد نقش ایران در عراق و اختلافات شیعه و سنی اینطور بیان داشت:

" نقش دولت ایران در عراق ارتجاعی است و هم جهت با آمریکا علیه جنبش مقاومت عمل میکند. جنگ داخلی بین شیعه و سنی ساخته تبلیغات آمریکاست و حقیقت ندارد. اختلاف موجود اختلافی بین میهن پرستان عراقی و مدافعان قوای اشغالگر است. در عراق جنبش شیعه و میهنی وجود دارد که علیه اشغالگران می‌جنگد."

سخنران دیگر، اعظم تمامی، نویسنده فلسطینی مقیم انگلیس بود که به انتقاد از تحمیل نظم جهانی بر کرده خلق فلسطین پرداخت. وی دفاع مردم فلسطین از سرزمین مادری و مقاومت در مقابل اسرائیل و اینولوژی صهیونیستی را مشروع و عادلانه ارزیابی نمود..

" آنچه که جهان از ما تقاضا دارد این است که تجاوزه بخود را بپذیریم. این فلسطینیان نبودند که به یهودیان در اروپا تجاوز کردند و ما همدست هینتر نبودیم. با این وجود ما باید توان این جنایت را بپردازیم."

علت پیروزی حماس را باید در سیاست راست روانه عرفات و جنبش فتح که مغایر حقوق و آرمانها مردم فلسطین بود تحلیل نمود. اسرائیل برای یهودیان آفریده نشده است بلکه ابزار است در دست امپریالیسم و علاقه ای به صلح و آرامش ندارد. با دولت صهیونیست اسرائیل باید همانند دولت آپارتاید آفریقای جنوبی برخورد نمود.

ما نمی‌توانیم دولت اسرائیل را به رسمیت بشناسیم زیرا چنین امری بدین معناست که دزدیدن سرزمینمان توسط امپریالیسم را بپذیریم."

یوسف عبدالکریم رهبر تنها سندیکای موجود در سودان در بخشی از سخنرانی اش به سیاست تفرقه بینداز و حکومت کن امپریالیسم در دارفور را که به منظور برافروختن جنگ داخلی پیش می‌رود، اشاره داشت و تاکید نمود این سیاست توجیهی ای برای اشغال کشور توسط نیروهای خارجی است. چاههای نفتی در دارفور و چشم داشت نیروهای استعماری به ثروت ملی سودان سرچشمه کشمکشهای کنونی در سودان است.....

همانطور که در فوق اشاره رفت این سمینار بعد از دوازده روز با موفقیت بکار خود پایان داد. خواست فوری و بی قید و شرط قوای اشغالگر از عراق و افغانستان، دفاع از مبارزات حق طلبانه مردم لبنان و فلسطین علیه صهیونیسم و امپریالیسم، محکوم کردن تهدیدات نظامی آمریکا و قطعنامه های شورای امنیت علیه ایران ... و مسائل مهمی بود که در این کنفرانس مورد تاکید حاضرین قرار گرفت. پایان موفقیت آمیز این کنفرانس یک پیروزی برای جنبش ضد امپریالیستی در منطقه بود.

پاد زهر ناسیونال شونیسم و ،، نفرت ملی،، انترناسیونالیسم و مبارزه طبقاتی است

دامن زدن به ،،نفرت ملی“ امر تازه ای نیست. بورژوازی برای توسعه نفوذ خویش و گسترش سرزمینهایش نفوذش همواره به این اسلحه کهنه و زنگار گرفته متوسل شده است. برتولت برشت شاعر بزرگ کمونیست آلمان نقش ناسیونالیسم را در کشتار قومی و جنگ بارها مورد نقد قرار داده و اشاره کرده است که آنها ملت‌های دیگر را متهم می‌کنند که به “زبان ما” سخن نگفته و با “ما فرق اساسی” دارند. ایجاد و اختراع “فرق” میان ملت‌ها، تقویت روحیه برتری جویی و برتری طلبی و برتری یابی برای مستحیل کردن ملت‌ها سیاستی است برای ایجاد نفاق و قوم کشی میان آنها. ملتی را که به برتری خویش اعتقاد دارد بهتر و سهلتر می‌توان برای کشتار ملتی که بهتر محسوب می‌شود بسیج نمود. ملتی که خود را نماینده “ارزش‌های برتر” تلقی می‌کند بهتر می‌توان برای رفع خطر مللی که “ارزش‌های ابدی” آنها را “تهدید” می‌نمایند بسیج کرد و کشتار قومی را توجیه نمود. ملت‌های کور قربانی ایدئولوژی فاشیسم همواره از نظر روانی این “برتری” را کسب می‌کنند که آدمکشی آنها در خدمت امر “خوبی” قرار دارد. آنها بیاس نابینائی فاشیستی، دستشان در قتل عام گسترده باز است. ما در ایران شاهد بوده ایم که چگونه یک حزب الهی معتقد حاضر است صمیمانه و بدون عذاب وجدان صدها نفر را سر بی‌رد بدون آنکه خم به ابرو بیاورد. ناسیونال شونیسم آن سلاح روانی است که ارتجاع و در دوران کنونی امپریالیسم از آن برای پیشبرد مقاصد خویش سود می‌جوید.

ناسیونال شونیست همواره در پی آن است که اختلاف خلق کند و نفاق ایجاد نماید. نقش وی خرابکارانه و در دشمنی با انسانها و بشریت است. وی مرتب از “حقوق بشر” دم می‌زند ولی حقوق بشر وی جهانشمول نیست. حقوقی است که فقط باید برآزنده بپیکر زشت ناسیونال شونیست خودش باشد. در حقیقت “حقوق بشر” با آموزش از آموزگارش امپریالیسم و صهیونیسم برای وی یک ابزار مبارزه سیاسی برای تحقق نیات شومی است که کشتار قومی و جنگ را توجیه نماید. ناسیونال شونیست برای پیشبرد مقاصد شوم ملی خویش بهر وسیله ای متشبث می‌شود و در این راه از سوء استفاده از “حقوق بشر” نیز نمی‌گذرد. از هر کس و ناکسی کمک می‌گیرد و این بی‌پرنسیبی و خیانت و وحشیگری را با رنگ “ارزش‌های ملی” می‌پوشاند. چشمش به خزانه مالی امپریالیست آمریکا دوخته و از آن برق می‌زند تا از 80 میلیون دلار رشوه امپریالیستها به سگ‌های زنجیریشان، تکه پاره ای نیز نصیب وی شود. آنها حاضر نیستند اخاذی از اجنبی را خیانت ملی و خیانت طبقاتی ارزیابی کنند و در این مورد ترجیح می‌دهند که سکوت کنند. همدستی با سفیر باکو و یا آنکارا و یاوه گوئی در مورد ایران و خط و نشان کشیدن در مورد تجزیه ایران سیاست آنهاست، این سیاست یک سیاست ماکیاولیستی به تمام معناست. همان سیاست ماکیاولیستی پان اسلامیتها در ایران که ما از بدو انقلاب با آن روبرو بوده ایم. ناسیونال شونیست آذری از کشتار امپریالیستها در عراق و افغانستان حمایت می‌کند و از این همه جنایت و خونریزی مسرور است. از کشتار ارتش تجاوزگر ناتو در “کوزوو” حمایت می‌کند زیرا استقرار فاحشه خانه آمریکائی و اروپائی و قاچاق مواد مخدر در “کوزوو” را کسب “حقوق ملی” تلقی می‌کند و این کسب این حقوق درخشان را بر رفاقت با کارگران صرب و کروات و موننتگرو بوسنی ترجیح می‌دهد. “ابو غریب” و “گوانتانامو” و “حدیثه” و “لیدیته” و “می لای” و... برای وی کلمات ناآشنائی هستند و بدرد وی در مبارزه ناسیونال شونیستی و تبلیغ ،،نفرت ملی“ نمی‌خورند. حتی حاضر نیست نام آنها را نیز بشنود. وی دشمن خلق فلسطین است زیرا برای مقاصد شوم خویش چشم به دست‌های صهیونیست‌های اسرائیلی دوخته است. این مرتجعین بر جنایتهای ضد بشری امپریالیستها و صهیونیستها در سراسر جهان چشم می‌بندند زیرا سکوت در قبال جنایات بشری را به حال خویش مفید می‌دانند. تبلیغ “نفرت ضد فارس و ارمنی” در سرلوحه افکار و فعالیت‌های آنها قرار گرفته است. آنها توده مردم را با تحریک غرایز حیوانی و دون صفتانه به آدمکشی فرا می‌خوانند و می‌گویند باید فارسها را که “دشمن ترکها” هستند بیرحمانه به قتل رسانید. آنها به مرتجعین فراوان آذری در حکومت که هزاران نفر آذری و فارس و کرد را به قتل رسانده اند کاری ندارند. وقتی در موقعیت نا مطبوع قرار می‌گیرند مدعی می‌شوند این آذری‌ها، آذری واقعی نیستند “قربانی شونیسم فارس” هستند. تئوریهای اجتماعی آنها ذاتا نظریات چندش آور نژادی است. بروی خودشان نمی‌آورند که آذریهای مرتجع از ستونهای محکم و مهم بقاء رژیم جمهوری اسلامی هستند. تجاوز امپریالیسم و صهیونیسم به ایران را مفید می‌دانند زیرا به خیال خوششان در هم ریزی اوضاع ایران و تضعیف حکومت مرکزی به آنها این امکان را می‌دهد تا از ایران جدا شوند. تجزیه ایران زیر عنوان “برسمیت شناختن حق جدائی” و مخالفت “با تمامیت ارضی ایران” آن کلید سحر آمیزی است که باید از زاویه “چپ” همدستی با امپریالیسم و صهیونیسم را توجیه کند و دهان افشاءگران آنها را ببندد. شما از یک ناسیونال شونیست کلمه ای در مورد کشتار ارمنه در ترکیه و اشغال سرزمینهای آنها نمی‌شنوید. آدمکشی تا زمانیکه پای ترک و یا کرد به عنوان قربانی در میان نباشد آدمکشی نیست. آن‌ها حاضر نیستند سرکوب کردها را در ترکیه توسط پان ترکیستها محکوم کنند. سازمانهای جاسوسی عرب در خوزستان ایران که خود را مدافع خلق عرب جا زده و مدعی دلسوزانی برای مردم عرب ایران است، حتی حاضر نیستند کشتار اعراب عراقی را بدست امپریالیستها و صهیونیستها محکوم کنند و خواهان خروج فوری و بی قید و شرط امپریالیستها از عراق باشند. این خواست که مورد حمایت همه مردم جهان و بویژه خلقهای عرب زبان است برای این عده ناخوش آیند است. “عرب خواهی” آنها چتر صهیونیسم پرستی آنها است. آنها از حقوق مردم فلسطین حمایت نمی‌کنند. اتفاقا این نکات مشخص است که بیانگر ماهیت این گروهها و تشکلهاست. کارپایه و مخرج مشترک این سازمانهای متعلق به بیگانه و ضد ایرانی هم نظری در کشتار فارسها و چشم امید داشتن به امپریالیسم و صهیونیسم است.

دست امپریالیستها از ایران ومنطقه کوتاه باد!